

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

نشانی اینترنتی مجله: <http://jill.shirazu.ac.ir>

### فرایندهای تضعیف و قلب در گویش بختیاری «بروافتو تنگ شا»

شهین امیرجانی<sup>۱\*</sup>، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا<sup>۲</sup> و محمدجواد حجازی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

۲- دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

#### چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، شناسایی و توصیف فرایندهای تضعیف و قلب مشترک بین فارسی معیار و گویش بختیاری «بروافتو تنگ شا» یکی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است. بدین منظور، ابتدا ۱۵۰ کلمه از پرسشنامه و واژه‌نامه گویشی انتخاب و سپس از هشت گویشور بومی بی‌سواد و کم‌سواد در سنین ۴۰ تا ۸۰ سال مصاحبه شده است. همچنین از شم زبانی یکی از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی و برخی از منابع مکتوب در این زمینه به‌عنوان پیشینه پژوهش بهره برده است. داده‌ها در چارچوب این نظریه تحلیل شده و آوانگاری بر اساس الفبای آوانویسی بین‌المللی «آی‌پی‌ای» انجام شده است. روش پژوهش نیز به‌صورت توصیفی - تحلیلی است. در تحلیل هر یک از فرایندها، جدولی از داده‌ها و قاعده مربوط به آن ارائه گردیده و در نهایت بازنمایی غیرخطی از طریق مشخصه‌های واجی در برخی از موارد صورت می‌پذیرد. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که فرآیند تضعیف در این گویش در چارچوب واج‌شناسی زایشی قابل تبیین است همچنین بررسی داده‌های نشان می‌دهد که انواع فرآیند تضعیف مانند فرایندهای همگونی و حذف و ویژگی‌های فرونوا و برنوا در این فرایندها قابل مشاهده است.

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۸ مردادماه ۹۶

پذیرش: ۲۱ شهریور ۹۸

#### واژه‌های کلیدی:

واج‌شناسی زایشی

تضعیف

قلب

فرونوا

برنوا

\* نویسنده مسؤول

آدرس ایمیل: [amirjanitwo@gmail.com](mailto:amirjanitwo@gmail.com) (شهین امیرجانی)

## ۱. مقدمه

این پژوهش به توصیف و تحلیل فرایندهای تضعیف و قلب در گویش<sup>۱</sup> بختیاری شهر مسجدسلیمان شهرستان اندکا بخش آبژدان دهستان «بروافتوتنگ شا» می‌پردازد. ساکنان این روستا به گویش بختیاری تکلم می‌کنند. گویش بختیاری را بر پایه شواهد و معیارهای آواشناختی می‌توان از گروه گویش‌های ایرانی جنوب غربی دانست (رضایی و امانی بابادی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). سردار اسعد و لسان‌السلطنه سپهر (۱۳۷۶) محل سکونت قوم بختیاری را از طرف جنوب و مغرب ناحیه‌ی گرمسیری را حوالی بهبهان و رامهرمز، جراحی، هواز، شوشتر، دزول و جانکی (منطقه‌ای در مسجد سلیمان) دانسته و در ادامه می‌نویسد «فردوسی می‌گوید: زبان بختیاری تقریباً پهلوی است... ایل بختیاری ناحیه‌ای است که از طرف شمال به قفقاز و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شود». جمعیت دهستان «برافتوتنگ شا» در سال ۱۳۸۵ حدود ۵۱۲ (۱۱۵ خانوار) بوده است (پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران).

«برو افتو تنگ شا» در زبان محلی به معنای «شاهراه کوهستانی» رو به آفتاب است. در فرهنگ لغت مکنزی بروافتو به معنای «قسمتی آفتابی» و «تنگ شا» به معنای «گذرگاه اصلی» است (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۴۵-۱۴۳-۲۷). آوانگاری این عبارت نشان می‌دهد که برخی از آواها و کلمات این گویش بازمانده فارسی میانه بوده که در این گویش باقی مانده است.

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و توصیف فرآیندهای تضعیف و قلب مشترک بین گویش بختیاری و فارسی معیار است. روش پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی است؛ نگارندگان برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سازمان میراث فرهنگی (۱۳۵۷) و واژه‌نامه آنونبی واسدی (۲۰۱۴)، به شیوه مصاحبه با گویشوران بومی بختیاری و منابع مکتوب بهره برده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است به منظور پاسخ به پرسش پژوهش که چه نوع فرآیندهای تضعیف در این گویش در چارچوب واج‌شناسی زایشی وجود دارد، بعد از پیشینه و ارائه روش تحقق مناسب به تحلیل داده‌ها و سپس نتیجه‌گیری بپردازد.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعاتی در زمینه گویش بختیاری انجام شده است اما فقط تعداد اندکی اثر از جمله مقاله و پایان‌نامه به جنبه زبان‌شناختی این گویش پرداخته‌اند. از جمله مطالعات غیر ایرانی بر

---

1 - dialect

گویش بختیاری می‌توان به کتابی اشاره کرد که انتشارات دانشگاه اوپسالای سوئد منتشر کرده است؛ و آنونبی و اسدی (۲۰۱۴) با نگاهی زبان‌شناختی، بخش‌های مختلف گویش بختیاری گونه مسج‌دسلیمان را بررسی کرده‌اند. این کتاب شامل پنج فصل است که فصل دوم آن به واج‌شناسی گویش بختیاری می‌پردازد. این فصل به معرفی همخوان‌های این گویش، تعداد، تفاوت، توزیع و تقابل آن‌ها با فارسی معیار اختصاص دارد. همخوان‌های گویش بختیاری را ۲۳ واج همانند فارسی دانسته و از حضور همخوان انسدادی ملازی واک دار /G/ و عدم حضور همخوان انسدادی چاکنایی /ʔ/ نام می‌برد. در ادامه این فصل آمده است که گویش بختیاری همانند فارسی معیار خوشه همخوانی آغازه<sup>۱</sup> ندارد و در پایانه<sup>۲</sup> نیز دو و یا گاهی سه همخوان شرکت دارد. همچنین فرآیند قلب در این گویش در مقایسه با فارسی معیار بسیار زیاد است به طوری که مشخصه رسایی<sup>۳</sup> پس از طی فرآیند قلب در خوشه همخوانی پایانی رعایت می‌شود. افزون بر این، تعداد واکه‌های بختیاری همانند فارسی ۶ آوا ذکر شده است اما دو واکه‌ی پسین میانی /o/ و پیشین افتاده /æ/ در جایگاه پایان کلمه نسبت به فارسی از بسامد وقوع و تنوع بیشتری برخوردار است. همچنین تنوع هجاهای گویش بختیاری را V, VC, VCC, CV, CVC, CVCC, CVCCC در تحلیل می‌کنند. در این کتاب تلاش شده است تا به جنبه‌های مختلف زبان‌شناختی گویش بختیاری و مقایسه آن با فارسی معیار پرداخته و در آخر واژه‌نامه‌ای ۱۵۰۰ کلمه‌ای را ارائه دهد. هدف آنونبی و اسدی (۲۰۱۴) تحلیل و بررسی گویش‌های ایرانی است و نگارش این کتاب در راستای این هدف تنظیم شده است.

مطالعات گویشی سالیان متمادی است که ذهن پژوهشگران ایرانی را به خود جلب کرده است. شایان نسب (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود که در شش فصل تدوین شده است، گویش دزفولی و بختیاری ایذه را از لحاظ آواشناسی<sup>۴</sup>، واج‌شناسی، صرف<sup>۵</sup> و نحو<sup>۶</sup> بررسی کرده است. پژوهش وی در چارچوب مکتب ساختگرایی و به شیوه توصیفی-مقایسه‌ای است که به صورت میدانی - کتابخانه‌ای انجام شده است. برخی از نتیجه‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. تعداد همخوان‌ها در دزفولی ۲۶ و در بختیاری ایذه ۲۴ عدد است و همخوان‌های /ʃ/, ʒ/, ʒ/ در گویش بختیاری وجود

- 
- 1- onset
  - 2- coda
  - 3- sonority
  - 4- phonetics
  - 5- inflection
  - 6- syntax

ندارد از سوی دیگر دو همخوان /G/، /Ġ/ بختیاری در گویش دزفولی دیده نمی‌شود. ۲. تعداد واکه‌ها در هر دو گویش هشت عدد است. واکه مرکب [aw] در بختیاری وجود دارد و در مقابل واکه [əw] در دزفولی دیده می‌شود. از سوی دیگر، واکه مرکب /yâ/ در گویش بختیاری وجود دارد که در دزفولی دیده نمی‌شود. ۳. در حوزه نظام صرفی هر دو گویش علاوه بر تفاوت‌های واژگانی، مقولات صرفی متفاوت نیز دیده می‌شود. به طوری که نشانه‌های جمع [-al] و [-gâl] مخصوص بختیاری بوده و در دزفولی وجود ندارد اما گاهی در ساخت فعل امر گویش دزفولی از پسوند [-ât] و [-ak] استفاده می‌شود که در بختیاری کاربردی ندارند. ۴. نظام نحوی هر دو گویش تفاوت فراوانی دیده نمی‌شود و شاید بتوان گفت که نظام نحوی گویش بختیاری ایده و دزفولی شبیه زبان فارسی است.

خیامی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی تفاوت‌های آوایی در گویش لری بختیاری گویشوران ساکن استان خوزستان با زبان فارسی معیار» به زبانی ساده و تا حدودی زبان‌شناختی به تفاوت‌های این دو گویش می‌پردازد. وی می‌نویسد: «تفاوت‌های آوایی این گویش بیشتر در تفاوت‌های مصوتی است. این تفاوت‌ها نمی‌تواند اثری بر روی تفاوت‌های معنایی یا دستوری واژگان داشته باشند... در این گویش حروفی وجود دارد که به جد می‌توان گفت نمونه این حروف در زبان فارسی وجود ندارد و در مباحث آواشناسی بررسی می‌شوند. در این گویش همخوان میان واژه‌های «د» (d) در برخی موارد همچون قرار گرفتن بعد از واکه‌ها به صورت ضربه‌ای ادا می‌شود که به آن ذال معجم می‌گویند... حالت امری افعالی که با همخوان (b) شروع می‌شوند، همخوان (b) در جایگاه میانی به همخوان (v) تبدیل می‌شود» (خیامی، ۱۳۹۰: ۹۷۶-۹۷۹). در پژوهش شایان نسب (۱۳۸۹) بر دو گویش دزفولی و بختیاری ایده تلاش شده است که تحلیل‌های زبان‌شناختی در حوزه واج، صرف و نحو از این دو گویش ارائه دهد درحالی‌که مقاله خیامی (۱۳۹۰) بر دو گویش لری بختیاری و فارسی معیار مفاهیم زبان‌شناختی کمتر دیده شده است و بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی غیرتخصصی دارد. از جمله منابع دیگر در این زمینه می‌توان عیدی (۱۳۷۵) به تحلیل گویش بختیاری گونه اردل، طاهری (۱۳۸۹) گویش بختیاری کوه‌رنگ و عباسی سورشجانی (۱۳۹۰) نیز گویش بختیاری چهارلنگ را بررسی کرده‌اند. ذوالفقاری نسب (۱۳۷۶) به تحلیل بقا و زوال این گویش از جنبه زبانی - اجتماعی و مالمیر (۱۳۹۱) به تصحیح و تبیین برخی متون لری پرداخته‌اند. لازم به ذکر است که در زمینه گویش بختیاری تاکنون کار زبان‌شناختی محدودی انجام شده است و این مقاله تلاشی در این راستا است.

## ۳. روش تحقیق

روش پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی است؛ نگارندگان برای جمع‌آوری داده‌ها از این منابع بهره‌جسته‌اند: (۱) یکی از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی بختیاری (۲) مصاحبه‌کننده به‌عنوان گویشور بومی بختیاری مسجدسلیمان (۳) هشت گویشور بومی بی‌سواد و کم‌سواد در رده سنی ۴۰ تا ۸۰ سال (۴) برخی از منابع مکتوب از جمله کتاب‌ها؛ پایان‌نامه‌ها؛ و مقاله‌هایی که در زمینه گویش بختیاری نگارش شده است. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس پرسشنامه گویشی سازمان میراث فرهنگی کشور (۱۳۵۷) بوده و تحلیل فرآیندهای واجی بر اساس آوانگاری<sup>۱</sup> استاندارد «آی‌پی‌ای<sup>۲</sup>» و در چارچوب واج‌شناسی زایشی<sup>۳</sup> انجام شده است. اولین مرحله در انجام یک پژوهش میدانی، یافتن گویشوران واجد شرایط است. از این‌رو، از شیوه پرسشنامه‌ای به‌صورت مصاحبه استفاده شده است. بدین‌صورت که از هشت گویشور در سنین ۴۰ تا ۸۰ سال، بی‌سواد و کم‌سواد سؤالاتی که از قبل تهیه شده بود، پرسیده و ضبط گردید. این پرسشنامه جهت جمع‌آوری و ثبت نمونه‌های گویشی کشور تدوین شده است و شامل ۱۰۵ کلمه و ۳۶ جمله است که از این تعداد ۸۰ کلمه را انتخاب و مابقی، کلمات مرکب هستند که بیشتر نقش صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه را دارند. از آنجایی که بررسی آواها از طریق کلمات صورت می‌گیرد، لذا به جملات این پرداخته نشده است.

## ۴. فرآیندهای واجی

در این بخش ابتدا به توصیف و تحلیل انواع فرآیند تضعیف<sup>۴</sup> شامل همگونی و انواع آن و فرآیند حذف می‌پردازد سپس فرآیندهای تضعیف و قلب<sup>۵</sup> بررسی می‌شوند.  
از فرآیندهای تضعیف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- phonetic transcription
- 2- International Phonetic Association
- 3- generative phonology
- 4- lenition
- 5- metathesis

«همگونی<sup>۱</sup>، کامی شدگی<sup>۲</sup>، تشدید زدایی<sup>۳</sup>، واگذاری<sup>۴</sup>، زنشی شدگی<sup>۵</sup>، حذف<sup>۶</sup>» (کرد زعفرانلو کامبوزیا و مبارکی، ۲۰۱۳: ۸۴).

#### ۴-۱. همگونی

یکی از رایج‌ترین فرآیندهای واجی، «همگونی» است که در طی این فرآیند دو آوا مجاور به یکدیگر شبیه می‌شوند. کرد زعفرانلو کامبوزیا به نقل از ینسن<sup>۷</sup> (۱۹۹۰: ۱۶۰) می‌نویسد:

واژه assimilation از دو تکواژ لاتینی /ad-/ به معنای «به‌سوی» و similis به معنای «مشابهت» مشتق شده است. در همین واژه نمونه‌ای از همگونی دیده می‌شود، زیرا همخوان /d/ در تکواژ /ad-/ از طریق فرآیند همگونی به [s] در آغاز تکواژ دوم تبدیل شده است. تأثیر واحدهای واجی مجاور بر یکدیگر به‌عنوان «همگونی پیوسته» و تأثیر واحدهای واجی غیرمجاور بر یکدیگر به‌عنوان «همگونی ناپیوسته» شناخته می‌شود. همگونی به‌لحاظ جهت به همگونی پس‌رو، پیش‌رو و دوسویه و به‌لحاظ شباهت به همگونی در یک مشخصه، در چند مشخصه و کامل تقسیم می‌شود. هر یک از این همگونی‌ها می‌توانند به‌صورت همگونی همخوان با همخوان، همخوان با واکه، همگونی واکه با واکه یا هماهنگی واکه‌ای باشد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۶۷).

#### ۴-۱-۱. همگونی همخوان‌های /q/ و [x]

گاهی یک همخوان در هم‌نشینی با همخوان دیگری پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به‌جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرآیند را که شاید یکی از جهانی‌های آوایی باشد همگونی گویند (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۵۲). بررسی داده‌های گویش بختیاری «بروافتو تنگ شا» مؤید آن است که غلت لبی-نرم‌کامی w در گویش بختیاری بازمانده دوره میانه است و یا /kæj/- فارسی میانه به معنای خانه در بختیاری به‌صورت ترکیب-kej (wenu به معنای کدبانو و ke-j-mand) دختری بدون همسر است که از قرابت دیگر این دو گونه زبانی است. (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۲۲-۱۱۴).

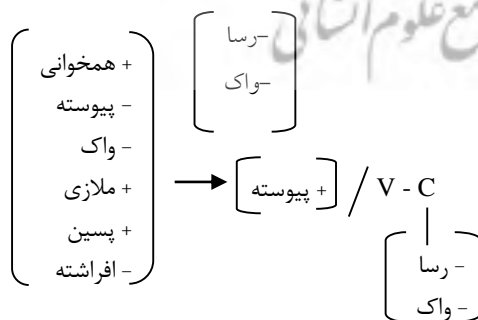
- 1- assimilaion
- 2- Palatalization
- 3- degemination
- 4- devoicing
- 5- flapping
- 6- deletion
- 7- Jensen, J.T

در این همگونی همخوان ملازی<sup>۱</sup>، انسدادی و بیواک/q/ در محیط پس از واکه و عضو اول خوشه همخوانی به طوری که هر دو همخوان دارای مشخصه [-رسا] باشند به همخوان ملازی، سایشی و بیواک [χ] تبدیل می‌شود.

جدول (۱) همگونی انسدادی ملازی /q/ به سایشی [χ]

آوانویسی بختیاری	واج‌نویسی بختیاری	فارسی معیار
[baχtʃe]	/baqtʃe/	باغچه
[næχ]	/næq/	نقش
[næχʃe]	/næqʃe/	نقشه
[noχte]	/noqte/	نقطه
[ræχs]	/ræqs/	رقص
[mæχ]	/mæʃq/	مشق
[væχt]	/væqt/	وقت
[sæχʃ]	/sæqʃ/	سقف

قاعده ۱: تبدیل همخوان /q/ به [χ]  $q \rightarrow \chi / V \text{ --- } C$



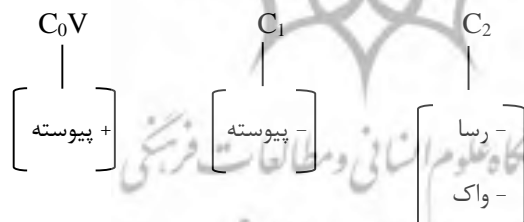
1- uvular

قاعده (۱) نشان می‌دهد که همخوان ملازی، انسدادی و بیواک /q/ در محیط پس از واکه و قبل از همخوان‌های گرفته و بیواک {tʃ, ʃ, t, s, f} به همخوان ملازی، سایشی و بیواک [χ] تبدیل می‌شود. این فرآیند به «سایشی شدگی<sup>۱</sup>» موسوم است. همچنین این فرآیند نوعی تضعیف به شمار می‌رود به طوری که یک انسدادی به سایشی متناظر و هم محل تولیدش تبدیل می‌شود. این فرآیند در ساخت هجایی C<sub>0</sub>VC<sub>1</sub>C<sub>2</sub>(V) دیده می‌شود، زمانی که C<sub>1</sub> یک ملازی انسدادی مانند /q/ است و همخوان بعد از آن یعنی C<sub>2</sub> یک همخوان گرفته‌ی بیواک مانند {tʃ, ʃ, t, s, f} باشد. لازم به ذکر است که این تغییر حاصل تأثیر واکه و همخوان به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی یعنی C<sub>2</sub> صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در کلمه باغ /baq/ فرآیند سایشی شدگی یعنی تبدیل همخوان /q/ به /χ/ صورت نمی‌گیرد، درحالی‌که در کلمه /baqtʃe/ به [baχtʃe] شاهد تأثیر واکه و همخوان هر دو هستیم. همچنین در کلمه مشق /mæχq/ به /mæχʃ/ ابتدا فرآیند قلب صورت گرفته سپس تبدیل همخوان ملازی، انسدادی و بیواک /q/ به همخوان ملازی، سایشی و بیواک /χ/ اتفاق افتاده است.

$$q \rightarrow \chi / v - \{tʃ, ʃ, t, s, f\}$$

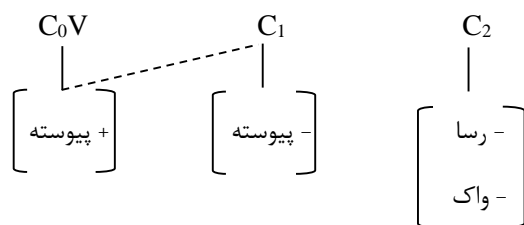
### بازنمایی غیرخطی

الف) بازنمایی زیرساختی



ب) گسترش مشخصه [+ پیوسته] منبع به هدف و هم‌زمان با آن قطع مشخصه [- پیوسته]

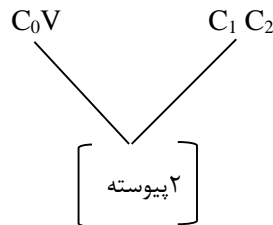
الف) بازنمایی زیرساختی



### 1- spirantization



(ج) بازنمایی روساختی



قاعده فوق نشان می‌دهد که همخوان انسدادی، ملازی و بیواک /q/ در محیط پس از واکه به‌عنوان همخوان  $C_1$  در توالی  $C_0VC_1C_2(V)$  به همخوان سایشی، ملازی و بیواک [χ] تبدیل می‌شود.

#### ۴-۱-۲. همگونی واکه‌ی /u/ با همخوان‌های برنوا<sup>۱</sup>

بررسی داده‌های جدول نشان می‌دهد که همگونی همخوان‌های برنوا با واکه در گویش بختیاری «تنگ شا» مشهود است. هایمن (۱۳۶۸: ۶۲-۶۱) معتقد است:

«... واکه‌های [ā] و [a]، واکه‌ها پسین، همانند همخوان‌های لبی و نرم‌کامی، در انتهای حفره دهان ساخته می‌شوند زیرا زبان در قسمت عقب دهان برافراشته می‌شود. واکه‌های پیشین، همانند همخوان‌های دندانی/ لثوی و کامی در یک ناحیه غیر انتهایی (یا میانی) حفره دهانی ساخته می‌شوند زیرا زبان در قسمت مرکز دهان افراستگی پیدا می‌کند. در نتیجه هم همخوان‌ها و هم واکه‌ها در این خصوصیت صوتی یعنی فرونوا<sup>۲</sup> / برنوا<sup>۱</sup>ی متفاوت می‌شوند.

برنوا <sup>۱</sup>	فرونوا <sup>۲</sup>
همخوان‌های دندانی/ لثوی	همخوان‌های لبی
همخوان‌های کامی	همخوان‌های نرم‌کامی
واکه‌های پیشین	واکه‌های پسین
	برنوا ← فرونوا / - فرونوا ##

یک واکه‌ی افراشته‌ی فرونوا به یک واکه‌ی افراشته برنوا تبدیل می‌شود اگر قبل از یک همخوان برنوا پایانی قرار گیرد» (همان ۶۲).

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که در این همگونی، واکه‌ی پسین افراشته /u/ با همخوان برنوا<sup>۱</sup>ی مجاور خود همگون شده و به واکه پیشین افراشته [i] تبدیل شده است.

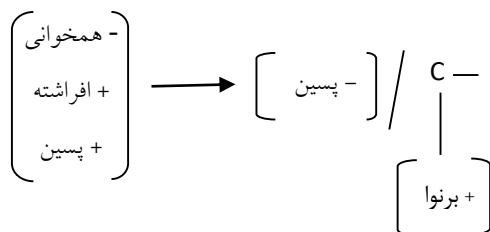
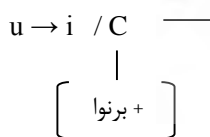
1- acute

2- grave

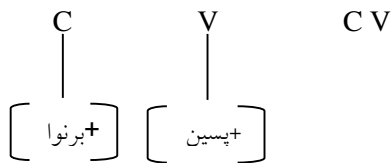
جدول (۲) همگونی واکه با همخوان برنوی مجاور

آوانویسی بختیاری	واج‌نویسی بختیاری	فارسی معیار
[sizæɳ]	/suzæɳ/	سوزن
[lile]	/lule/	لوله
[riʃæɳ]	/ruʃæɳ/	روشن
[kitʃe]	/kutʃe/	کوچه
[tile]	/tule/	توله
[ri-ve-ri]	/ru-be-ru/	روبه‌رو
[bælit]	/bælut/	بلوط
[sæmæni]	/sæmænu/	سمنو
[sævir]	/sæbur/	صبور
[hæsid]	/hæsud/	حسود
[ʔængir]	/ængur/	انگور
[geli]	/gælu/	گلو

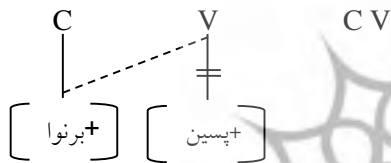
قاعده ۲. همگونی واکه پسین و افراشته /u/ با همخوان برنوی مجاور  
 قاعده ۲- الف) پروفسور سگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



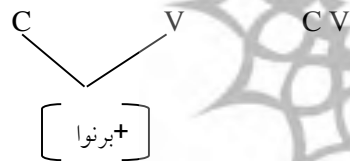
قاعده ۲- الف) نشان می‌دهد که واکه‌ی فرونوای پسین افراشته /u/ با همخوان مجاور خود همگون شده و به واکه‌ی برنوا پیشین افراشته [i] تبدیل می‌گردد.  
قاعده هماهنگی واکه‌ای به روش غیرخطی:  
الف) بازنمایی زیرساختی



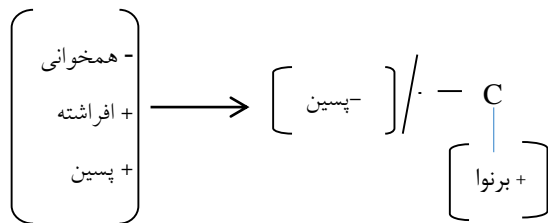
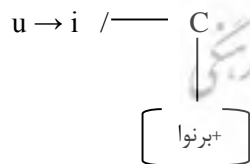
ب) گسترش مشخصه مبدأ و قطع مشخصه هدف



ج) بازنمایی روساختی

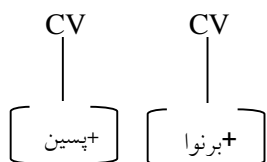


قاعده ۲- ب)

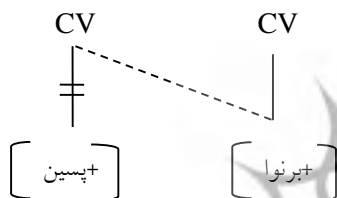


قاعده هماهنگی واکه‌ای به روش غیر خطی:

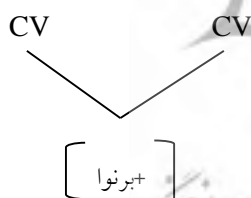
الف) بازنمایی زیرساختی



ب) گسترش مشخصه مبدأ و قطع مشخصه هدف



ج) بازنمایی روساختی

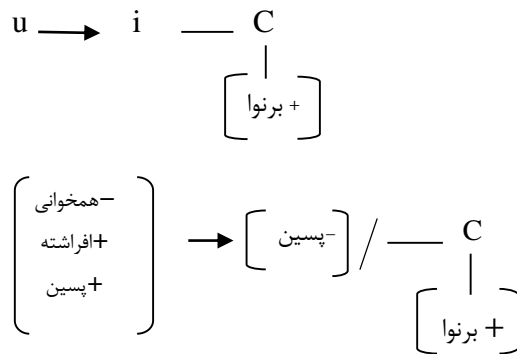


قاعده ۲- ب) نشان می‌دهد که واکه‌ی پسین افراشته /u/ با همخوان مجاور خود همگون شده و به واکه پیشین افراشته [i] تغییر یافت است.

مجموع دو قاعده الف) و ب) نشان می‌دهد که این دو قاعده در دو طرف چپ و راست همخوان باشد، واکه پسین افراشته /u/ به واکه پیشین افراشته [i] تبدیل می‌گردد. ینسن (۱۴۲:۲۰۰۴) در مورد قاعده آینه‌وار<sup>۱</sup> می‌نویسد که یک قاعده، گاهی در دو طرف عمل می‌کند که در طی آن به‌جای نماد جداکننده (/) از نماد درصد (/.) استفاده می‌شود.

1- mirror image rules

ادغام دو قاعده الف و ب با استفاده از قواعد آینه‌وار



#### ۲-۴. فرآیند حذف<sup>۱</sup>

فرآیندی است که طی آن یک واحد واجی از زنجیره گفتار حذف شود (ینسن، ۲۰۰۴: ۵۷). فرآیند حذف در داده‌های مربوط به گویش بختیاری «بروافتوتنگ شا» بسیار دیده شده است.

#### ۴-۲-۱. حذف همخوان پایانی<sup>۲</sup>

همخوان پایانی در کلمات بسیط در این گویش حذف می‌شود.

جدول (۳) فرآیند حذف همخوان پایانی از کلمات بسیط

فارسی معیار	واج‌نویسی بختیاری	آوانویسی بختیاری	جمع کلمه
چوب	/tʃub/	[tʃu]	[tʃuva]
چند	/tʃænd/	[tʃæn]	[tʃændta]
قند	/qænd/	[qæn]	[qænda]
خوب	/χub/	[χu]	[χuva]
دوغ	/duq/	[du]	[duqa]
آسمان	/as(e)mun/	[ʔasemu]	[ʔasemuna]
آخوند	/αχund/	[ʔαχun]	[ʔαχundæɪ]
همان	/hæman/	[hæmu]	[hæmuna]
آبگوشت	/abguʃt/	[ʔæwguʃ]	[ʔæguʃta]

1- elision(deletion)

2- apocope

قاعده ۳. حذف همخوان پایانی در کلمات بسیط

$$\{b, d, q\} \rightarrow \emptyset / C V(C) \text{ — \#}$$

$$C \rightarrow \emptyset / CV(C) \text{ — \#}$$

$$\left[ \begin{array}{c} \text{— رسا} \\ \text{— پیوسته} \end{array} \right]$$

قاعده (۳) نشان می‌دهد که همخوان‌های پایانی کلمات بسیط در بافت بعد از واکه حذف می‌شوند.

بررسی داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که حذف همخوان پایانی در کلمات بسیط با افزودن وند جمع ظاهر می‌شود.

البته لازم به ذکر است پسوند جمع برای انسان در بختیاری [ʔaχundæɪ] و همخوان پایانی نمایان می‌شود؛ بنابراین همخوان‌های پایانی با افزودن پسوند و یا التقای مصوت‌ها نمایان می‌گردند

#### ۳-۴. تضعیف

نتیجه این فرآیند آوایی به آوای ضعیف‌تر تغییر می‌یابد. ینسن تضعیف را کاهش میزان انسداد آوا می‌داند (ینسن، ۲۰۰۴: ۵۶).

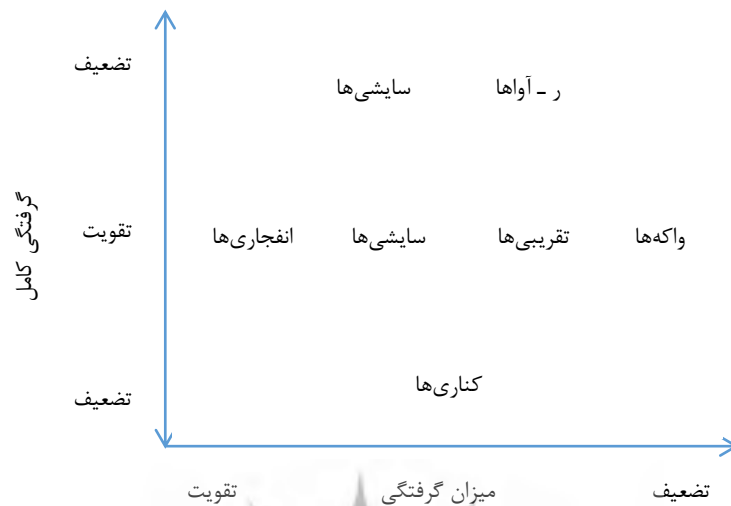
#### ۱-۳-۴. تناوب بین /b/ و [w]

این تناوب نشان می‌دهد، همخوان گرفته و واک دار /b/ که در فارسی معیار وجود دارد در بختیاری به غلت [w] تبدیل می‌شود<sup>۱</sup> در طی این تغییر که همخوان انسدادی به غلت تبدیل می‌شود<sup>۲</sup> نوعی از تضعیف براساس شیوه تولید به شمار می‌رود. به طوری که درجه بست انسدادی باز شده و به بست ناسوده تبدیل می‌شود. این فرآیند به «غلت شدگی»<sup>۳</sup> انسدادی موسوم است.

۱- همخوان‌های گرفته شامل انسدادی، سایشی و انسایشی‌ها و تقریبی‌ها، نیم‌واکه‌ها و غلت‌ها هستند.

۲- همخوان‌های انفجاری نوعی همخوان انسدادی و تقریبی‌ها شامل نیم‌واکه‌ها و غلت‌ها می‌باشند.

3- gliding



نمودار ۱

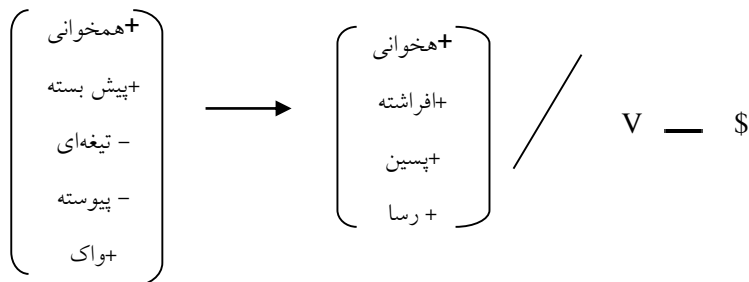
نمودار ۱- فرآیند تضعیف و تقویت<sup>۱</sup> را نشان می‌دهد که طی آن همخوان‌های انفجاری هنگامی که به تقریبی‌ها تبدیل می‌شوند فرآیند تضعیف و عکس آن فرآیند تقویت رخ می‌دهد (لوشوتسکی، ۲۰۰۱: ۵۱۰).

جدول (۴) تناوب بین /b/ و [w] در جایگاه پایانه هجا

آوانویسی بختیاری	واج‌نویسی بختیاری	فارسی معیار
[ʔæw]	/ab/	آب
[tæw]	/tæb/	تب
[ʔæwguft]	/abgu/	آبگوشت
[æftæw]	/aftab/	آفتاب
[ʔemfæw]	/emfæb/	امشب

1- strenthening

قاعده ۴. تناوب /b/ و [w] در جایگاه پایانه هجا  $b \rightarrow w / V \_ \$$



قاعده (۴) نشان می‌دهد که همخوان گرفته و واک دار /b/ فارسی معیار در پایان کلمه یا هجا به غلت [w] تبدیل می‌شود که نوعی از تضعیف براساس شیوه تولید است.

### ۲-۳-۴. تناوب بین /χ/ و [h]

در این نوع تضعیف که در داده‌های گویش بختیاری وجود دارد، براساس جایگاه تولید انجام می‌شود.



نمودار ۲- نشان می‌دهد که هر چه از آواهای ششی<sup>۱</sup> به سوی چاکنایی<sup>۲</sup> و سپس دهانی<sup>۳</sup> نزدیک می‌شویم فرآیند تضعیف کمتر می‌شود.

### جدول (۵) تناوب بین /χ/ و [h] در محیط پس از واکه و قبل از یک همخوان دیگر

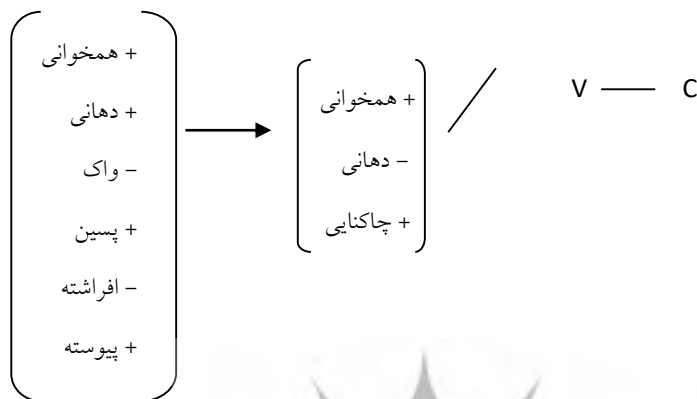
آوانویسی بختیاری	واج‌نویسی بختیاری	فارسی معیار
[pohte]	/poχte/	پخته
[tohm]	/toχm/	تخم
[soht]	/soχt/	سوخت
[sæht]	/sæχt/	سخت
[taht]	/taχt/	تاخت

- 1- pulmonic
- 2- Gottal
- 3- oral



قاعده ۵- تناوب بین /χ/ و [h] در محیط پس از واکه

$X \rightarrow w/V - C$



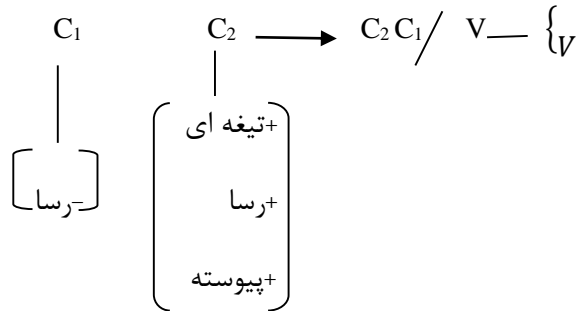
در قاعده (۵) همخوان دهانی، ملازی، سایشی و بیواک /χ/ در محیط پس از واکه به همخوان غیردهانی<sup>۱</sup>، چاکنایی، سایشی، بیواک [h] قبل از یک همخوان دیگر تبدیل می‌گردد و بدین‌وسیله عملکرد قاعده تضعیف در گویش بختیاری «تنگ شا» را تأیید می‌کند.

#### ۴-۴. فرآیند قلب

فرآیندی که طی آن دو واج در یک واژه، عبارت یا جمله جابجا شوند. قلب فرآیندی است که ترتیب یک زنجیره<sup>۲</sup> واحدهای صوتی را تغییر می‌دهد و این فرآیند اغلب به زنجیره‌ای از آواها می‌انجامد که تلفظ آن ساده‌تر است به همین دلیل قلب معمولاً در گفتار کودکان شنیده می‌شود، زیرا اغلب قادر به تولید همه زنجیره‌های همخوانی بزرگ‌سالان تولید می‌کنند نیستند (اگرادی و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰: ۷۴). گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر هم‌نشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند به طوری که همخوان نخستین جایگاه دومین را می‌گیرد (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

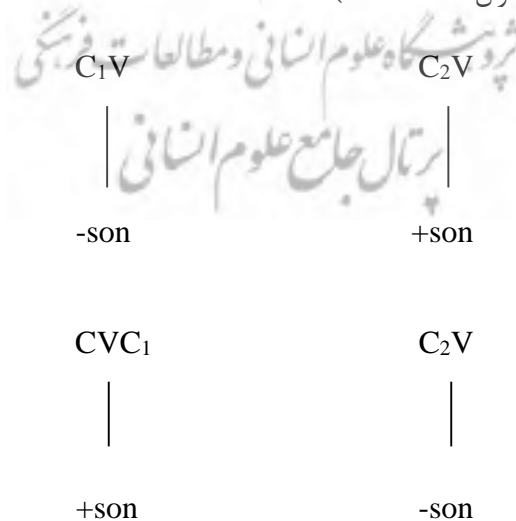
- 
- 1- debaculization
  - 2- segment
  - 3- Ogradi, W & others

قاعده ۶. قاعده کلی فرآیند قلب:



قاعده ۶) نشان می‌دهد که دو همخوان متوالی در محیط پس از واکه در پایان واژه یا در محیط بین دو واکه جابجا می‌شوند.

بهترین شکل ساخت هم‌نشینی هجاها، زمانی است که واحد واجی موجود در پایانه هجای اول مانند C<sub>1</sub>، در یک توالی مانند VC<sub>1</sub>.VC<sub>2</sub> در مجاورت با واحد واجی موجود در آغاز هجای دوم مانند C<sub>2</sub> قرار گیرد و ما شاهد افت رسایی از C<sub>1</sub> به C<sub>2</sub> باشیم (نماد نقطه مرز هجا را نشان می‌دهد). به بیانی دیگر، مرزهای هجایی، زمانی به بهترین حالت خود خواهند رسید که رسایی در انتهای هجای اول، از رسایی در آغاز هجای بعدی بیشتر باشد. این تعمیم را می‌توان در مورد کلماتی با ساخت هجایی CVCV و CVC<sub>1</sub>C<sub>2</sub>V در صورت‌بندی‌های زیر مشاهده کرد (کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۴):



جدول (۶) فرآیند قلب

آوانویسی بختیاری	واج‌نویسی بختیاری	فارسی معیار
[nærz]	/næzr/	نذر
[sælt]	/sætl/	سطل
[qolf]	/qofl/	قفل
[kærs]	/kæsr/	کسر
[kerbit]	/kebrit/	کبریت
[kerbit]	/kebrit/	کبریت

قاعده ۷- نشان می‌دهد که فرآیند قلب در بافت خوشه دو همخوانی مانند کلمه /sætl/ و یا توالی دو همخوان در مرز هجا در کلمه /kebrit/ اتفاق می‌افتد در صورتی که C<sub>2</sub> رسا تر از C<sub>1</sub> (همخوان روان) باشد و شیوه تلفظ آن‌ها به ترتیب [sælt] و [kerbit] باشد. به‌صورت یک تعمیم کلی می‌توان گفت که با افزایش میزان رسایی همخوان دوم در توالی C<sub>1</sub>C<sub>2</sub>، تمایل آن برای شرکت در فرآیند قلب افزایش می‌یابد. در این میان، قلب همخوان روان<sup>۱</sup>، C<sub>2</sub> رایج‌ترین نوع قلب آوایی است که با همخوان مجاور خود، به‌عنوان C<sub>1</sub>، در درون یک هجا، جابه‌جا می‌شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۹). بررسی داده‌هایی جدول ۶- گویش بختیاری حاکی از آن است که همخوان دوم در توالی C<sub>1</sub>C<sub>2</sub>، رسایی بیشتری برخوردار است لذا تمایل بیشتری برای شرکت در فرآیند قلب دارد.

##### ۵. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و توصیف انواع فرآیندهای تضعیف و قلب در گویش بختیاری «بروافتو تنگ شا» است که در نتیجه آن، دستاوردهای زیر به‌دست آمده است.

1- Liquid metathesis

۱ - در نتیجه فرایند همگونی همخوان با همخوان در این گویش، درجه بست تولیدی باز شده و همخوان انسدادی ملازی /q/ در کلمه نقش /næq/ به همخوان سایشی ملازی [χ] به صورت [næχ] تلفظ می‌شود و آن را سایشی شدگی می‌نامند که نوعی تضعیف است.

۲ - فرآیند همگونی همخوان بر نوا با واکه‌ی پسین افراشته /u/ نیز صورت می‌گیرد. به‌طور نمونه در کلمه /hæsud/ همگونی واکه پسین /u/ در مجاورت همخوان تیغه‌ای برنوا /d/ به واکه‌ی پیشین [i] تغییر می‌یابد و به صورت [hæsid] تلفظ می‌شود. تبدیل واکه پسین به پیشین از دیگر فرآیندهای تضعیف محسوب می‌شود.

۳ - حذف همخوان پایانی نیز در کلمات بسیط صورت می‌گیرد؛ اما براساس تحلیل داده‌ها، هنگام افزودن پسوند جمع همخوان محذوف، نمودار می‌شود. حذف نیز از جمله فرآیندهای تضعیف به حساب می‌آید.

/qænd/ → [qæn] → [qænda]

۴ - تضعیف الف) بر اساس شیوه تولید که در برخی موارد انسدادی /b/ به ناسوده [w] تبدیل می‌شود، در این گویش بسیار دیده می‌شود. به‌طور نمونه کلمه تب /tæb/ به صورت [tæw] تلفظ می‌شود.

تضعیف ب) بر اساس جایگاه تولید نیز، مربوط به تغییر حفره از دهان به حلق است. همخوان ملازی /χ/ که در حفره دهان تولید می‌شود به سایشی چاکنایی [h] تغییر می‌یابد که در حفره حلق و در ناحیه حنجره تولید می‌شود؛ مانند کلمه تاخت /taχt/ به صورت [taht] ادا می‌شود.

۵ - فرآیند قلب در نمونه‌های گونه بختیاری دیده می‌شود که علت اصلی آن به اصل توالی رسایی در خوشه‌ی پایانه‌ی هجا مربوط می‌شود به‌عنوان نمونه در کلمه نذر /næzr/ به صورت [nærz] تلفظ می‌شود.

۶ - با توجه به تحلیل داده‌های این گویش، از انواع فرآیند تضعیف، همگونی همخوان با واکه و سایشی شدگی بیشتر اتفاق می‌افتد؛ بنابراین پرسش پژوهش در چارچوب واج‌شناسی زایشی قابل تبیین است.

## فهرست منابع

- اگرادی، ویلیام، دابروولسکی، مایکل و مارک آرنف (۱۳۸۰). درآمدی بر زبان شناسی معاصر. ترجمه علی درزی، تهران: سمت.
- پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (۱۳۵۷). پرسشنامه‌ی اطلس زبانی ایران. تهران: پژوهشکده زبان و گویش.
- ثمره، یداله (۱۳۸۰). آواشناسی زبان فارسی. چ ۶ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۸۰). آواشناسی. چ ۷. تهران: نشر آگاه.
- خیامی، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی تفاوت‌های آوایی در گویش لری بختیاری گویشوران ساکن استان خوزستان با زبان فارسی معیار». همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. ش ۹۷۵-۹۸۲.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). گویش بختیاری، بقا یا زوال؟ - بررسی زبانی - اجتماعی در شهر مسجد سلیمان. پایان‌نامه ارشد. تهران: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی، والی و امانی بابادی، مریم (۱۳۹۲). «نمود دستوری در گویش لری بختیاری». فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران. ش ۳. صص ۱۳۹-۱۵۷.
- شایان نسب، مهدی (۱۳۸۹). بررسی مقابله‌ای دو گویش دزفولی و بختیاری اینده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹). گویش بختیاری کوه‌رنگ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۹۱). «ریشه‌شناسی واژه‌هایی از گویش بختیاری». مجله زبان و گویش‌های ایرانی. ش ۱. صص ۱۱۱-۱۳۷.
- عباسی سورشجانی، ندا. (۱۳۹۰). بررسی زبان‌شناختی گویش بختیاری چهارلنگ. پایان‌نامه ارشد رشته آموزش زبان فارسی. دانشگاه پیام نور - مرکز تهران جنوب.
- عیدی، رضا (۱۳۷۵). بررسی گویش بختیاری گونه‌ی اردل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۸۵). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد. تهران: سمت.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ؛ تاج آبادی، فرزانه و محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۹۱). «قلب آوایی در زبان فارسی و برخی گویش‌های ایرانی». *نشریه ادب و زبان*. سال ۱۵. شماره ۳۲. صص ۱۰۵-۱۲۴.

سردار اسعد، علیقلی خان و لسان السلطنه سپهر، عبدالحسین (۱۳۷۶). *تاریخ بختیاری*. تهران: انتشارات اساطیر. چ اول.

مالمیر، تیمور (۱۳۹۱). «تصحیح و تبیین برخی دشواری‌های متون کهن بر اساس گویش لری». *ادب پژوهی*. ش ۲۰. صص ۳۳-۵۲.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *سالنامه آماری استان خوزستان*. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن). مسجد سلیمان: استانداری خوزستان.

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

E. Anonby, and A. Asadi. *Bakhtiari Studies: Text, Lexicon*. Acta Universitatis Upsaliensis. *Studia Iranica Upsaliensia* 24, 222, Uppsala Universitet. (2014) 24-222.

W. Ogradi, & others, *A survey of Modern Linguistics*. Translated by: Ali Darzi. Tehran: SAMT [In Persian]. (2001).

J. T. Jensen, *Principles of Generative Phonology*. USA: John Benjamins. (2004).

L. M. Hyman. *Phonology: Theory and Analysis*. USA: Holt, Rinehart and Winston. (1975).

Luschützky, Hans Christian (2001). "Sixteen Possible Types Of Natural Phonological Processes", in Kredler. *Phonology Critical Concepts*. Vol. 1. (2001) 506-521.

Kambuziya, and M. Mobaraki. Lenition in Persian Phonological System. *Research on Humanities and Social Sciences*. Vol. 3. (2013) 83-91.

## Lenition and metathesis processes in the Brafto Tang Sha dialect of Bakhtiari

SH. Amirjani<sup>1</sup>, A. Kord Zafaranlu Kambuzya<sup>2</sup>, M. J. Hejazi<sup>1</sup>

1- Islamic Azad University of Ghom, Ghom, Iran

2- Trabiati Modares University Tehran, Tehran, Iran

---

### Abstract

The purpose of this paper is to identify and describe the lenition and metathesis processes in the standard variety of the Persian language and the Brafto Tang Sha dialect of Bakhtiari as a southwestern Iranian language. For this purpose, 150 words were first selected from the dialect questionnaire and glossary. Then, eight illiterate and semi-literate native speakers aged 40 to 80 were interviewed. Additionally, the linguistic intuition of one of the writers as a native speaker as well as some written sources were used as the research background. The data were analyzed in the framework of generative phonology, and the phonetic notation was based on the IPA (International Phonetic Alphabet). The research method was descriptive-analytic. In the analysis of each of the processes, a table of data and its related rules was presented; and eventually in some cases, nonlinear representations were made by means of phonemic features. The study results indicate that the process of lenition in this dialect can be explained in the framework of generative phonology. Furthermore, the study showed that some types of lenition, including assimilation, deletion and grave as well as acute features are observable in these processes.

**Keywords:** Bakhtiari dialect, generative phonology, assimilation, elision, lenition and vowel harmony

---